

## کلیاتی در مورد توسعه صنعتی از نظر اسلام

محمدجواد شجاعی شکوری

### مقدمه :

در این مقاله منظور از توسعه صنعتی یک حالت و وضعیت اقتصادی عینی و تاریخی تحقق یافته در دنیای خارج است که در برخی کشورهای اروپایی مانند انگلستان آلمان، آمریکا ژاپن و ... تحقق یافته بنابراین برداشت ما از توسعه در این مقاله مفهوم ارزشی و ذهنی نمی‌باشد، همچنین توسعه به مفهوم آرمانی و مدینه فاضله‌ای نیز مراد ما نیست. توسعه صنعتی پدیده‌ای مربوط به قرون اخیر است که متناسب با عرصه حاضر در جوامع توسعه یافته صنعتی شکل گرفته است.

توسعه صنعتی به مفهوم فوق، می‌تواند از راههای متعدد تحقق یابد زیرا همواره راههای متعدد برای رسیدن به یک هدف وجود دارد. منظور از الگوی توسعه صنعتی سبک عملی رسیدن به توسعه صنعتی و بهره‌گیری از صنعت و راه و روش عملی نیل به توسعه صنعتی است.

در جهان حاضر عملاً، دو سبک از صنعتی شدن مطرح می‌باشد. یکی الگوی سوسیالیستی است و دیگری الگوی غربی صنعتی شدن می‌باشد.<sup>۱</sup> که از آن با عناوین الگوی سرمایه‌داری توسعه، مدرنیسم، مدرنیسم، مدرنیته و نوسازی نیز یاد می‌شود. این الگو الگویی از رشد و توسعه است که در کشورهای سرمایه‌داری و کاپیتالیستی تحقق یافته است، و بر اصول بنیادی سرمایه‌داری استوار است، این الگو بنیادهای تئوریک مانند نظریه کارکردگرایی و تکامل گرایی دارد.

مهمترین پارامتری که در بررسی دیدگاه‌ها اسلام و ارزشیابی آن از نظر اسلام می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد پارامتر «الگوی توسعه اقتصادی صنعتی» است زیرا اولاً در اصل توسعه اقتصادی تحقیقاتی انجام گرفته<sup>۲</sup> و عمدتاً محققان مسلمان به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام توسعه را نفی نمی‌کند، اما یک مسئله مهم و بی‌جواب این است که اسلام با کدامین توسعه موافق و سازگار است؟ زیرا اهمیت الگوی توسعه از اصل توسعه کمتر نیست؛ چنانکه در تحلیل عدم موفق طرحهای توسعه‌ای در جهان سوم گفته شده که یک علت عدم وجود الگوی مناسب توسعه بوده است.

ثانیاً استراتژیهای توسعه مانند جایگزینی واردات جایگزینی صادرات یا سیاست تعدیل، ابزار و وسیله‌اند و ممکن است در هر الگویی به نحوی به کار روند.

<sup>۱</sup> رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، نشر توسعه ۱۳۷۰، ص ۱۱

<sup>۲</sup> سو. آلوین تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمد حبیبی مظاهری انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۲۱.

ثالثاً در بحث الگوی توسعه است که اصول فلسفی و ایدئولوژی و جهان بینی خود را نشان می‌دهند. زیرا هر الگو دارای پشتوانه‌های ارزشی و فرهنگی خاص خود می‌باشد. از این رو در این جایگاه می‌توان از دیدگاه اسلام سخن به میان آورد.

### مذهب و توسعه صنعتی

ظاهراً در زمره اولین تحقیقات درباره مذهب و توسعه، «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» از ماکس وبر می‌باشد. وی پروتستان‌یسم را در پیدایش عصر نوین در اروپا مؤثر دانسته است. در همین چارچوب «بلا» و موريسما نیز درباره مذهب ژاپنی و نقش آن در توسعه ژاپن تحقیقاتی را به عمل آورده‌اند و هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که مذهب ژاپنی بر توسعه اقتصادی ژاپن تأثیرات مثبت داشته است.<sup>۱</sup> نظریه پرداز دیگری به نام دیوس برداشت فوق را که نظریه سستی درباره نقش مذهب در توسعه است - با عنوان نظریه «پریش از موانع» توصیف می‌کند و پس از آن «نظریه احصارها» را مطرح می‌نماید.<sup>۲</sup> و مذهب را از جمله حصارها می‌شمارد. طبق نظریه حصارها برای نیل به توسعه دنیا گرای فقط نیروهای توسعه نیستند که با پریش از موانع به توسعه دست می‌یابند، بلکه خود این حصارها نیز بر اثر سستی و تخریب از بین می‌برند؟ یعنی در اروپا این تنها پروتستان‌های غیور نبودند که بازار را سرشار از غیرت الهی کردند، بلکه مسیحیت تحریف شده و پوسیده و نیروهای وابسته به آن در کلیسا که با اضمحلال و ناتوانی روبرو شده بودند دیگر توانایی لازم را برای حضور مثبت و فعالانه در جامعه نداشتند؛ لذا ناگزیر جای خود را به نیروهای جدید و مدرن دادند.

عموماً گفته می‌شود مذهب نهادینه شده، مذهب ابزاری، مذهب دنیوی، مذهب عامیانه و مذهب خرافی با توسعه اقتصادی سازگار است و مذهب وحیانی، مذهب غیر نهادینه، مذهب اخروی (آخرت گرا) و.... با توسعه ناسازگار است. بر طبق نظریه حصارها اگر دینهای نهادینه شده و ابزاری مانند کنفوسیوسم، بودیسم، شینتویسم، پروتستان‌یسم و سد توسعه نمی‌گردند صرفاً به این دلیل نیست که این دینها در بطن خود تعالیمی بلند مرتبهای در راستای احتیاجات بشر مدرن دارند، بلکه به این دلیل است که این مذاهب ابزاری، فقط یک سری اعمال برای کفن و دفن و مراسمات رسمی زناشویی و ... دارند و به دلیل نداشتن توانایی برای حضور در تمام ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر قرن حاضر، عملاً به یک حصار ویران شده که جز مخروبه‌ای از آن باقی نمانده است می‌مانند.

### مذهب اسلام و توسعه صنعتی

در بررسی رابطه اسلام و توسعه بیشتر محققان غربی اسلام را ضد توسعه دانسته‌اند<sup>۳</sup> از سوی دیگر اکثر پژوهشگران مسلمان، اسلام را عامل توسعه اقتصادی یافته‌اند، یا حداقل مشوق آنها دانسته‌اند. به نظر ما

<sup>۱</sup> ی. س. آلون. تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۶۴ و ۸۷

<sup>۲</sup> همان، صص ۸۹-۹۰

<sup>۳</sup> بنگرید به: بوکانان، ایس، راههای پیشرفت اقتصادی، ص ۱۳۸.

هر دو رأی می‌تواند صائب باشد، زیرا مقصود غربیان از توسعه، همان شکل و سبک رایج توسعه در مغرب زمین بوده است، لذا عوامل زمینه‌از یا همراه با این سبک و الگوی توسعه را با اسلام در تضاد یافته‌اند ضعف ایشان تنها این بوده که نتوانسته‌اند تصور کنند پیشرفت و توسعه، در قالب‌های دیگری غیر از این قالب رایج غربی نیز امکان‌پذیر است. از طرف دیگر پژوهشگران مسلمان با یک دید ارزشی از توسعه اصل و اساس و نفس توسعه را فارغ از ملزومات و آریه‌های غربی آن در نظر گرفته و به این ترتیب حکم به سازگاری اسلام و توسعه بلکه عامل مثبت بودن اسلام در مسیر توسعه نموده‌اند.

در بررسی رابطه مذهب با الگو و سبک غربی توسعه صنعتی باید دو جنبه از مذهب مدنظر قرار گیرد؛ یکی قابلیت‌ها و توانایی‌های ایجابی مذهب و دیگری قابلیت‌های سلبی آن، مثلاً یک مذهب خاص ممکن است در آموزه‌های فرهنگی خود تشویق به نظم و کار و تلاش داشته باشد. بنابراین این آموزه‌ها قابلیت‌های ایجابی این مذهب خاص ممکن است در آموزه‌های فرهنگی خود تشویق به نظم کار و تلاش را داشته باشد. بنابراین این آموزه‌ها قابلیت‌های ایجابی این مذهب در رابطه با توسعه می‌باشند. از سوی دیگر همین مذهب ممکن است قابلیت‌ها و توانایی‌های سلبی را نیز دارا باشد؛ مثلاً در مقابل یکی از فرآورده‌های توسعه صنعتی مقاومت از خود نشان دهد (مانند بحث کنترل مولید، یا اشتغال و فعالیت زنان در جامعه و ...) منظور از قابلیت سلبی، این است که اسلام این توانایی را دارد که در مقابل برخی از آموزه‌های توسعه صنعتی مانند جدایی دین از سیاست، نفع پرستی یا ... قد علم کند و به عنوان سدی در مقابل آن ایستادگی کند؛ اما برخی مذهب‌های دیگر این قابلیت و توانایی را ندارند یعنی شینتویسم و بودیسم و مسیحیت نهادینه شده (پروتستانیسیم) نمی‌توانند مقاومت جدی در برابر آموزه‌های فرهنگ مدرن داشته باشند، پس آموزه‌های فرهنگی این ادیان در مواجهه با فرهنگ مدرن یا به گوشه‌ها می‌خزند، یا به نوعی در خود جرح و تعدیل ایجاد کرده، خود را با فرهنگ مدرن و نوین سازگاری می‌کنند.

### اسلام در عوامل الگوی غربی توسعه

اقتصاددانان و نظریه‌پردازان غربی (و گاه غر غربی) مواردی را به عنوان عوامل توسعه دانسته‌اند که به نظر می‌رسد بهتر باشد این عوامل را به دو گونه تقسیم نمود. پاره‌ای از این عوامل مربوط به اصل و اساس توسعه است که هر الگویی باید وجود داشته باشد و برخی مربوط به الگو و سبک غربی توسعه است زیرا مواردی مانند سکولاریسم، لیبرالیسم، اومانیسم، دموکراسی و ... از تاریخ توسعه غرب و تجربه غرب برای نیل به توسعه اقتباس گردیدند. لذا این موارد را باید جزء عوامل الگوی غربی از توسعه دانست، نه نفس توسعه، یعنی اگر کشوری بخواهد با همان سبک و روش غرب به توسعه صنعتی دست یابد باید به این عوامل توجه کرده و زمینه‌سازی این عوامل را در بستر جامعه خود فراهم نماید.

## دنیاه‌گرای و سکولاریسم

اقتصاددانان مانند سیمون کوزنتس بوکانان و ... از جمله دیدگاههایی را که موجب رشد اقتصادی در مغرب زمین شده و یا همراه عصر رشدنویین اقتصادی بوده است، «توجه به زندگی مادی بر روی زمین» میدانند و مقصود ایشان از سکولاریسم این است که این نگرشی را که می‌گوید زندگی بشر بر روی کره ارض مرحله های انتقالی است و در نتیجه باید به آن توجه کمتری نمود، باید کنار گذاشت و زندگی بش بر روی زمین را برای آدمیان مهمترین وظیفه قلمداد کرد.<sup>۱</sup>

اسلام گرچه تارک دنیا بودن و رهبانیت را نفی می‌کند، اما برخلاف اندیشه سکولاریسم اصالت را به دنیا نمی‌دهد، بلکه طبق اندیشه اسلامی دنیا محل گذر و غیر اصیل است و هدف حیات بشری در آخرت تأمین می‌گردد. (الدنیا مزرعه الاخره)

(اعلموا انما الحیوه الدنیا لعب و بهو و زینه و تفاخر ... حدید / ۲۰).<sup>۲</sup>

## اصالت انسان، مساوات طلبی و اندیشه برابری انسانها

انسان گرای به معنای نفی اشرافیت و نژادپرستی و اصالت دادن به انسانیت انسان و به این معنا که هر انسانی چه فقیر و چه غنی و ... دارای احترام و حقوق انسان است با فرهنگ اسلامی سازگار است اما انسان‌گرایی غربی تنها در همین چارچوب خلاصه نمی‌گردد فمینیسم (تساوی زن و مرد) و اومانیسم (انسان محوری) از جمله دستاوردهای انسان‌گرایی به سبک غربی هستند که با مبانی فرهنگ اسلام در تضاد هستند. منشاء و فلسفه برابری انسانها در اسلام با غرب متفاوت است. آیه شریفه (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی وجعلناکم شعوبا «و قبائا» لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ... حجرات / ۱۳) منشا برابری انسانها از حیث مخلوق خدا بودن میدانند همه انسانها در برابر خالق مساویند و خالق همه اخداست همچنین طبق این آیه قومیت گرای و طائفه‌گرایی نفی می‌گردد در عین حال (ان اکرمکم عندالله اتقیک) نوعی رتبه‌بندی بر اساس تقوی بین انسانها است.

## علم‌گرایی و علم محوری

بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان در زمره عوامل زمینه‌ساز توسعه به علم‌گرایی و فرهنگ علم محوری اشاره کرده‌اند.<sup>۳</sup> البته منظور و مقصود ایشان از «علم» علوم تجربی می‌باشد، دستاوردهای دانش نوین که با تکیه بر فعالیت‌های آزمایشگاهی و تجربی به دست آمده‌اند.

<sup>۱</sup> ر ک به: کوزنتس، سیمون، رشد نوین اقتصادی، ص ۱۸ // بوکانان، نورمن، راه‌های پیشرفت اقتصادی، ص ۱۳۷  
<sup>۲</sup> برای اطلاع از آیات و روایات درباره دنیا ر ک به: الحیاه، ج ۳ ص ۴۱۸  
<sup>۳</sup> ر ک به: ام، مایر، جردال، پیشگامان توسعه، ترجمه علی اصغر هدایتی، انتشارات سمت، ص ۲۰۹ // عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، ص ۸۳

در دوره رنسانس پایه‌های بینش علمی را بنیان گذاردند به این ترتیب فلسفه علمی که به جهان انسان از دید تجربه می‌نگرد بوجود آمد و «علم» به معنای دانش تجربی به عنوان یک جهان‌بینی مطرح گردید.<sup>۱</sup>

«علم‌گرایی» به عنوان یک فلسفه کامل و فراگیری که همه واقعیات را به سطح مادی امور و پدیده‌ها تقلیل می‌دهد و تحت هیچ شرایطی مایل به پذیرش دیدگاه‌های به اصطلاح غیر علمی نیست.<sup>۲</sup>

البته علم‌گرایی به معنای تشویق و ترغیب وجد و جهد در پی آن مورد تأیید اسلام است. {هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون} «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه»، «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» و ... { اما علم‌گرایی و علم محوری به این معنا که دانش تجربی فلسفه و جهان‌بینی انسان واقع شود با تعالیم اسلام مغایرت دارد آیات ذیل بیانگر اختلاف دیدگاه اسلام با غرب نسبت به نگرش به علم است.

(لقد من الله عل المؤمنین اذا بعثت فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) آل عمران / ۱۶۴

در این آیه مبارکه علم در مقابل ضلالت مطرح شده و به معنای هدایت بسوی خدا مطرح گردیده است.

(قال الم اقل لکم انی اعلم غیب السموات و الارض و اعلم ما تبون و ما کنتم تکتمون) بقره / ۳۳

در این آیه علم خداوند به عنوان برترین علم‌ها مطرح شده است.

اسلام اصالت را به علم نمی‌دهد و مشروعیت را تنها بر علم قائل نیست در واقع علم به عنوان یک ابزار مطرح است نه هدف آیه مبارکه (مثل الذین حملوا التوراه ثم لیحملوها کمثل حمار بحمل اسفارا) نشان دهنده آن است که در اسلام برای هر علمی ارزش قائل نیست.

در اسلام بحث علم در کنار تهذیب و تزکیه و عمل مطرح است بنابراین دیدگاه اسلام به علم با دیدگاه غرب تباین دارد.

## دموکراسی

از مطالعه تاریخ کشورهای صنعتی غرب چنین بر می‌آید که نوعی رابطه مستقیم بین عصر نوین اقتصادی در این کشورها و دموکراسی برقرار می‌باشد.<sup>۳</sup>

دموکراسی غربی به معنای حکومت مردم بر مردم که حق حاکمیت بر مردم را از آن هیچ کس جز مردم نمی‌داند با آن قسمت از تعالیم اسلامی که حق حاکمیت را فقط از آن خدا می‌داند - نه مردم - (ان الحکم الا لله) یوسف / ۴۰ همخوانی ندارد.

## جدائی دین از سیاست

<sup>۱</sup> ر ک به: بوکانان، راههای پیشرفت اقتصادی، ص ۱۳۸ // ی، سو، آوین، تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۳۰ // عظیمی، حسین، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۹۱ // سریع القلم، محمود، توسعه جهان سوم و نظام بین الملل، نشر سفیر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳.

<sup>۲</sup> ر ک به: فیوضات، ابراهیم توسعه صنعتی و موانع آن در ایران، چاپخش، ص ۱۷

<sup>۳</sup> ر ک به: پیشگامان توسعه، ص ۲۱۳ و ۱۴۸ // عظیمی، حسین ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۶۳.

از جمله تغییرات اساسی که در دوره رنسانس غرب شاهد آن بود نهادینه شدن مسیحیت بود به این معنا که دین به عنوان یک نهاد از مداخله کردن در نهادهای دیگر (سیاست حکومت آموزش و ...) بازداشته شد. این پدیده که از آن به عنوان دین سکولار یاد می‌شود موجب گردید برخی از نظریه پردازان به عنوان یکی از دیدگاه‌های فکری اجتماعی مقارن با توسعه اقتصادی را دوری مذهب از سیاست و به اصطلاح نهادینه شدن و دنیوی شدن مذهب بدانند.<sup>۱</sup>

عدم تناسب فرهنگ اسلام با اندیشه جدایی دین از سیاست با نگاهی به تعالیم اجتماعی و سیاسی اسلام بدیهی می‌نماید اسلام تعالیمی همچون جهاد، نماز جمعه، خمس، زکات، حکومت داری و مملکت داری و ... دارد که تمام اینها موید نفی جدایی دین از سیاست از دیدگاه اسلام است آیه شریفه (انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس) نساء / ۱۰۵ هدف از انزال کتب و تشریح دین الهی اسلام را حکومت بیان می‌کند سیره حکومتی رسول اکرم نیز به تمامی نمایانگر تضاد فرهنگ اسلام با اندیشه جدایی دین از سیاست است.

## عقلانیت<sup>۲</sup>

برای تقریب مقصود و منظور از عقل و عقلانیت در اینجا باید اصطلاحات عقلانیت ابزاری و عقل معاش را متذکر گردید که در مقابل عقلانیت ارزشی و عقل معاد مطرح می‌باشد. منظور از عقل معاش یا عقلانیت ابزاری عقل حسابگر و سود و زیان سنج است بنابراین برداشت، انسان عقلایی کسی است که در امور مختلف زندگانی چرتکه بیاندازد و سود و زیان خود را محاسبه کرده در نهایت به عملی دست بزند که متضمن حداکثر سود اقتصادی و مادی برای اوست.

اگر بخواهیم عقلانیت ابزاری را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار دهیم باید بگوئیم که اسلام عقل معاش را نفی نمی‌کند با این حال دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب متفاوت است انسان غربی عقل خود را در محدوده عقل معاش محدود می‌کند قوه تعقل انسان غربی محصور و زندانی معاش و اقتصاد است به این دلیل انسان غربی به عقل خود اجازه نمی‌دهد با نگرشی غیر از سود و زیان سنجی به امور بنگرد اما در دیدگاه اسلامی عقل محدودیت معاش و ابزار بودن را ندارد.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر در دیدگاه اسلامی از عقل به عنوان رسول باطن یاد می‌شود که با وحی مکمل یکدیگرند و هر دو وظیفه هدایت بشر را به عهده دارند درحالیکه در بینش غربی اصولاً جایی برای وحی در نظر گرفته نشده است.

---

۲ رک به: کوزنتس، رشد نوین اقتصادی، ص ۴۱۸ بوکانان، راههای پیشرفت اقتصادی، ص ۴۱۳۸ ی، سو، تغییر اجتماعی و توسعه، ص ۴۷  
۱ رک به: تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ص ۱۲۰ و ۱۳۳ // بوکانان، راههای پیشرفت اقتصادی، ص ۱۳۷ // قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، ص ۹۰.  
۲ در مورد نقد عقلانیت ابزاری رک به: لاریجانی، محمد جواد، تدین، حکومت و توسعه، ص ۱۷۳ // مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۶۹

سازگاری اسلامی با اصل توسعه صنعت و فناوری

بدون شک می‌توان اذعان داشت توسعه صنعتی فارغ از آرایه‌ها و ملزومات الگوی غربی آن (اومانیزم راسیونالیسم لیبرالیسم ناسیونالیسم دموکراسی و ...) یعنی اصل و اساس توسعه صنعت فن آوری و تکنولوژی نه تنها از نظر اسلام نامطلوب نیست بلکه تعالیم و آموزه‌های فرهنگ اسلامی، مشوق توسعه فن آوری و صنعت نیز هست.

تدبر در آیه شریفه (و الی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله مالکم من اله غیر هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب) هود / ۶۱ می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که اسلام توسعه را نفی نمی‌کند اما توسعه اقتصادی و دنیوی در چارچوب جهان بینی قرآنی نمی‌تواند هدف باشد. در این آیه دو قسمت وجود دارد:

در قسمت اول خداوند بیان می‌کند که آبادانی زمین (توسعه و پیشرفت دنیوی را به انسان واگذار کرده است و مسئله مهمتر اینکه توسعه و آبادانی باید در چارچوب (فستغفروه ثم توبوا الیه) باشد یعنی توسعه بیاد در خدمت ایمان به خدا باشد و انسان را به سوی خداوند رهنمود گرداند. <توبوا الیه> پس این آیه شریفه جهت توسعه را نیز تعیین کرده است.

غرب به (واستعمرکم فیها) عمل کرده و (فاستغفروه ثم توبوا الیه) را وا گذاشته است: یعنی غریبان به توسعه و آبادانی زمین دست زده‌اند اما این آبادانی در خدمت ایمان به خدا نیست.

آیات زیر هر کدام به گونه‌ای مبین سازگاری اسلام با توسعه اقتصادی صنعتی و دنیوی است:

(هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعا) بقره / ۲۹ // (هو الذی جعل لکم الارض ذلولا «فامشوا فی مناکیها و کلوا من رزقه و الیه النشور» ملک / ۱۵.

(و لو ان اهل القرى آمنو و اتقوا الفتحنه علیهم برکات من السماء و الارض) اعراف / ۹۶.

(و انزلنا الحدید فی بأس شدید و مناف للناس) حدید / ۲۵

(و علمناه صنع لبوس لکم) انبیاء / ۸۰

(قل من حرم زینه الله التی اخرج لعباده و الطبات من الرزق قل هی للذین آمنوا فی الحیوه الدنیا خالصه

یوم القیام) اعراف / ۳۲

(و اعدوا ما استطعتم من قوه) انفال / ۶۰

(ما کان ربک لیهک القرى بظلم و اهلها مصلحون) هود / ۱۱۷

### الگوی اسلامی توسعه صنعتی

اگر ما بپذیریم که ناگزیریم به سمت توسعه صنعتی برویم در این صورت دو راه بیشتر پیش رو نداریم یکی اینکه جامعه اسلامی، اسلام را کنار بگذارد و سکولار لائیک گردد در این صورت با همان سبک غرب از توسعه می‌تواند به توسعه صنعتی دست یابد و موفق شود.

راه دیگر این است که چون اسلام با اصل توسعه صنعتی همخوانی دارد ولی با سبک غرب از توسعه ناسازگار است<sup>۱</sup> سبکی از توسعه صنعتی را بوجود آوریم که با اسلام سازگار باشد که البته این راه مشکل‌ترین راه است این سبک از توسعه صنعتی به کلی با آنچه در غرب روی داده مغایر خواهد بود.

با وجود اینکه اسلام در بطن خود فرهنگی پویا و زمینه‌ساز توسعه دارد و مشوق مسلمانان در نیل به توسعه است با این همه دو مشکل اساسی موجب گردیده که مسلمین به توسعه دست نیابند، مشکل اول برداشتهای غلط از مفاهیم فرهنگ دینی (مانند زهد توکل صبر و ...) است. چنانکه «یلا» در پژوهشی که بر نقش مذهب در نوسازی ژاپن داشته عواملی مانند: دعوت به کار و تلاش، قناعت در مصرف مشروع دانستن سودهای ناشی از کار و کسب حلال و ... را موجب گسترش توسعه ژاپن دانسته است<sup>۲</sup> اما چرا با وجود این عوامل د مذهب اسلام جوامع اسلامی به توسعه نرسیده‌اند؟ جالب این جاست که تازه مسلمانان ژاپنی اذعان می‌دارند که نکات مثبت فرهنگی مردمشان مانند: سخت کوشی، صداقت، امانت‌داری و ... را در اسلام یافته‌اند و از نظر عملی و هنجاری اعمالشان با این آموزه‌های فرهنگی اسلام قبل از مسلمان شدنشان نیز مطابق بوده است.<sup>۳</sup> بنابراین یک جواب سؤال فوق می‌تواند این باشد که ای نارسزهای موجود در اسلام در جامع اسلامی بین مسلمین به شکل صحیح به هنجار تبدیل نگردیده؛ بویژه اخیراً بر اثر غربزدگی کنار گذاشته شده است، در حالیکه آنچه با تقلید به دنبال آنیم (فرهنگ توسعه و پیشرفت) سالهاست که خود واجد بوده‌ایم. برای درمان این معضل پروژه احیاء تفکر اسلامی همانگونه که متفکرانی مانند سید جمال، اقبال، شهید مطهری و ... تبیین کرده‌اند پیشنهاد می‌گردد. بر این اساس فرهنگ و برداشت رایج، در بین مسلمانان از اسلام، از خرافات و زوائد پاک می‌گردد و فرهنگ اسلام ناب (زهد به معنای صحیح آن توکل به معنای صحیح آن و ... ) به جای آن حاکم می‌گردد.

اشتباه بزرگ دوم در باب الگوی توسعه می‌باشد اسلام و مفاهیم فرهنگی آن از جها متعدد با الگوی سرمایه‌داری و همچنین مارکسیستی توسعه سازگار نمی‌باشد این در حالی است که کشورهای مسلمان با پیروی از الگوی سرمایه‌داری غربی در صدد دست یافتن به توسعه اقتصادی و صنعتی هستند از این روست که نه تنها به توسعه دست نیافتند بلکه با معضلات بسیار ناشی از تزریق این الگوی وارداتی و فرهنگ خاص آن از یک طرف و تضاد آن با ارزشهای جامعه اسلامی از طرف دیگر روبرو گردیده‌اند این وضعیت موجب تشتت و اختلافاتی در فرهنگ، سیاست و اقتصاد این جوامع شده است که امروز بالعیان در کشورهای اسلامی با آن مواجهیم، به نظر می‌رسد راه حل، این است که ملل مسلمان با ترک الگوهای وارداتی به ایجاد و ابداع الگوی خاص از توسعه اقتصادی صنعتی منطبق با فرهنگ اسلامی خود پردازند، که می‌توان از آن با عنوان «الگوی اسلامی توسعه» یاد نمود.

۱ در این زمینه رک به: مرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب، نشر ساقی، ۱۳۷۷، // لاریجانی، محمدجواد، تدین، حکومت، و توسعه، موسسه فرهنگی ورزشی معاصر، ۱۳۷۷

۱ ی، سو، آلوین، تغییر اجتماعی و توسعه، صص ۶۰-۶۷.

۲. موری موت، ابوبکر، رشد اسلام در ژاپن، ترجمه حسین افشین منش، شرکت به نشر، صص ۱۳۴-۱۳۵



«الگوی اسلامی توسعه مبین آن است که می‌توان بدون پذیرش جهان بینی ایدئولوژی تمدن غرب به توسعه صنعتی دست یافت. بر اساس تز «الگوی اسلامی توسعه» از جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی به همراه رشد و توسعه صنعتی یک تمدن اسلامی مناسب با عصر ما شکل می‌گیرد این الگو بر این باور است که تنها یک تمدن مناسب با زمان حاضر وجود ندارد که فقط تمدن غربی باشد بلکه می‌توان تمدنهای دیگر متناسب با عصر حاضر ایجاد کرد البته توسعه یک فرآیند چندمتغیری است و تنها مذهب در آن دخیل نمی‌باشد اما از آن جا که اسلام دارای نظام اقتصادی خاص خود و متمایز از نظام اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی است بنابراین الگوی جامعه اسلامی از توسعه نیز باید مبتنی بر نظام اقتصادی خاص اسلام باشد. این به معنای استفاده نکردن از تجربیات غرب نیست بلکه از نکات مثبت آن استفاده کرده، از نکات منفی توسعه غرب باید عبرت گرفت البته اگر زوایای الگوی اسلامی توسعه بنخواهد روشن گردد باید گفت جنبه‌هایی از آن تنها در حین عمل و پس از تحقق آشکار خواهد شد.

